



جستجو Site

خبرهای ایران ،
کانادا، محلی

ورزش / گوناگون

هنر / سینما، تئاتر، موسیقی

تغذیه، بهداشت، محیط
زیست

سیاسی، اجتماعی، زنان

ادبیات و فرهنگ

[Home](#) < خبرهای ایران ، جهان، کانادا، محلی > تکه ای از فرهنگ و هنر ایران در جشنواره ی بزرگ «تیرگان»

تکه ای از فرهنگ و هنر ایران در جشنواره ی بزرگ «تیرگان» فرح طاهری

23-07-2008

[برای دوستان خود بفرستید](#) 
[چاپ کنید](#) 



یکی بود، یکی نبود. یک شهری بود به نام تورنتو در یک گوشه ی دنیا در کشوری به نام کانادا. در این شهر هزاران انسان از گوشه ی دیگر دنیا از کشوری به نام ایران، به تبعید یا مهاجرت آمده و مانده بودند. اینها می خواستند به خودشان، بچه هاشان و به مردم کشور میزبان، گوشه ای از فرهنگ و ادب و هنر سرزمینشان را نشان دهند و بگویند که ایران را نه فقط با حکومت و سیاستش که با فرهنگ و هنرش هم ببینید.



عده ای از فرهنگ دوستان جوان و فعال دور هم جمع شدند و بعد از یک تجربه که در نوروز 1385 (مارچ 2006) با عنوان جشنواره "زیر گنبد کبود" برگزار کردند، به فکر برگزاری جشنواره ی بزرگ دیگری آن هم در تابستان در فضای باز "هاربرفرانت سنتر" افتادند. اسم این جشنواره ی 4 روزه شد "یکی بود، یکی نبود" یعنی قصه ای آغاز می شود که می تواند چون قصه های هزار و یک شب سال ها ادامه یابد، بسته به همت مردم و حامیان آن. جشنواره امسال نام دیگری هم بر خود داشت: "تیرگان"، که در ایران باستان این جشن در تیرروز از تیرماه که در تقویم ایرانی برابر 13 تیر است، جشن گرفته می شد. در این روز تیشتر - ایزد باران - بر پوشه - دیو خشکسالی- غلبه کرد و باران بارید و زمین بار دیگر سبز شد. پس از مدت ها محاصره ی ایران زمین توسط تورانیان در دوران منوچهر شاه ، سرانجام توافق بر این شد که یکی از ایرانیان تیری بیندازد و هر جا تیر فرود آمد ، آن جا را مرز ایران و توران بشناسند.



در این روز آرش، کماندار ایرانی، از فراز البرز کوه تیری انداخت و جان خود را همراه تیر کرد. خود جان سپرد اما تیر بر مرز پیشین ایران و توران فرود آمد و جنگ پایان یافت. مردم جشن گرفتند و آن جشن به یاد جاودانی صلح بر جای ماند. در جشن تورنتو هم باران بارید، چه باریدنی. باید اسطوره ی ما درست از آب درمی آمد. هوا یاری کرد و شنبه رگباری درگرفت که بساط غرفه شهروند را به هم ریخت. نشریاتمان خیس شد ولی حال و هوای شاد جشن در ما جان گرفته بود و هوا نمی توانست به راحتی ما را به عقب نشینی وادار کند.



باران بارید و همه جا سبز شد. به غرفه های همسایه رفتیم تا از باران در امان بمانیم. برای غرفه های غذا اما باران پربرکت تر از همه بود. بسیاری به سوی چادر بزرگی که غرفه های غذا را در زیر خود جا داده بود، هجوم بردند.

پنجشنبه 17 جولای ساعت 7 شب مراسم افتتاحیه جشنواره بود. مهرداد آرین نژاد مدیر جشنواره تیرگان، رضا مریدی، نماینده ایرانی مجلس انتاریو، ژیان قمشی، برنامه ساز موفق و مشهور رادیو - تلویزیون سی بی سی کانادا، پیتر فونسکا وزیر جهانگردی و نماینده وزارت فرهنگ از جمله سخنرانان مراسم افتتاحیه بودند. آقای فونسکا وزیر جهانگردی با اشاره به اینکه این جشنواره ها چقدر می تواند به صنعت توریسم کمک کند، مشارکت بالای ایرانیان را در این زمینه ستود. نماینده وزارت فرهنگ نیز در مورد چندفرهنگی بودن تورنتو و فرهنگ سازی آن از سوی قومیت های مختلف گفت و حضور ایرانیان را در زمینه فرهنگسازی برجسته توصیف کرد.



افتتاحیه با کنسرت محمدرضا لطفی(تار) به همراه تنبک آقای قویدل در فضای باز کنار

دریاچه انتاریو پی گرفته شد و صدها تن از این کنسرت استقبال کردند.

جمعه و شنبه و یکشنبه سه روز دیگر جشنواره بود که با رقص، موسیقی، تئاتر، سینما، کارگاه نقاشی و موسیقی کودکان، هنرهای تجسمی و ادبیات پی گرفته شد.

در ادبیات شاهد قصه خوانی های سه گانه مهشید امیرشاهی (در روز دوم که به طنز اختصاص داشت پس از طنزخوانی امیرشاهی، فرشته مولوی نویسنده ساکن تورنتو به مهشید امیرشاهی پیوست و با مطرح کردن سه سؤال در مورد طنزهای او جلسه پی گرفته شد)، بازآفرینی اسطوره آرش توسط حورا یآوری و شاهنامه خوانی و نقالی جعفر والی بودیم.



در تئاتر، کارگاه تئاتر سهیل پارسا، نمایش های بوف کور از نیلوفر بیضایی، گنگ خوابیده از آتیلا پسیانی و تنها صداست که میماند از سهیل پارسا دو ستداران تئاتر را به تماشا فرا خواندند.

در موسیقی بجز کنسرت محمدرضا لطفی، کنسرت دریا دادور، گروه لیان (سلی)، گروه سول نایداس، گروه باربد، گروه چکاوک، گروه تکنوفانک، گروه شیراز، گروه موسیقی شارک، بابک امینی، گروه کر ایران، تار امیر کوشکانی و ... شور و وجد در حاضران در جشنواره به وجود آوردند.

رقص های آرش از شاهرخ مشکین قلم، ساشار ظریف، سعید شنبه زاده، آناهید جانبازیان و گروهش، گروه رقص خانه کرد... نیز از بخش های جذاب جشنواره بودند.

نمایش فیلم از داریوش مهرجویی، خسرو سینایی، اصغر فرهادی، ناصر تقوایی، رخشان بنی اعتماد و فیلم مصاحبه با تقوایی از عارف محمدی، حضور سینمای ایران در جشنواره بود.

نمایشگاه نقاشی های آیدین آغداشلو، غلامحسین نامی، جواد مجابی، ناصر اویسی، فرشید مثقالی، سیراک ملکانیان، محمد احصانی، و ... و سخنرانی و پنل در رابطه با هنرهای تجسمی حوزه ی دیگری از هنر ایران را به نمایش گذاشتند.

برای من که به همراه سه تن از همکارانم سعید فرح آبادی، پری فارسی و لیلا مجتهدی کار پوشش این جشنواره را به عهده داشتیم و مرتباً در رفت و آمد برای گرفتن عکس و فیلمبرداری و حضور در غرفه شهروند بودیم، امکان استفاده کامل از یک برنامه نبود و من بجز کنسرت به یادماندنی دریا دادور و رقص بی نظیر شاهرخ مشکین قلم، هیچ برنامه ی دیگری را به طور کامل نتوانستم ببینم، بنابراین کار نقد و بررسی برنامه ها را به کارشناسان امر و آنها که توانستند در برنامه ها حضور کامل

داشته باشند وامی گذارم. در مورد سینما همکار دیگر شهروند، عارف محمدی، حتما گزارش جالبی خواهد داشت.



با گردشی در میان جمعیت، مطلع شدم که تعدادی از ایرانیان فلوریدا، کالیفرنیا، نیوجرسی، مونترال، نیویورک و حتی از چین در جشنواره حضور داشتند.

پس از جشنواره در گفت وگویی کوتاه تلفنی با نیما احمدی مدیر بازاریابی جشنواره تیرگان از او تعداد بازدیدکنندگان را جویا شدم، گفت: هنوز تعداد بازدید کنندگان از طرف هاربرفرانت سنتر به صورت قطعی اعلام نشده، ولی تخمین زده می شود که بیش از 100 هزار تن از این جشنواره دیدن کرده اند.

نیما در مورد تامین بودجه جشنواره گفت: حدود 85 درصد بودجه تامین شد، ولی هنوز حساب و کتاب نهایی نکرده ایم و در این خصوص گزارش نهایی را خواهیم داد. او همچنین از عکس العمل مقامات هاربرفرانت سنتر گفت و اینکه ظاهرا بسیار رضایت داشتند و بیشتر هم منحصربه فرد بودن جشنواره برایشان جذاب بود.

نیما در مورد غایبین جشنواره گفت: از هنرمندانی که حضورشان قبلا اعلام شده بود گروه بهنا به دلیل مشکلات ویزا از ایران نتوانستند بیایند. آقای مسعود شعاری هم از ایران نتوانست ویزا بگیرد و برنامه ی او با برادران منبع چی و شانکارا جایگزین شد. آقای بهروری نیا به خاطر عمل جراحی نتوانست حضور پیدا کند.

نیما یکی از ویژگی های این جشنواره را قابل توجه بودن برای ایرانیان ساکن دیگر کشورها خواند و گفت: بیش از 25 فامیل از دویی، آمریکا، سوئد، لندن و ... برای دیدن جشنواره از ما تور تیرگان را خریده بودند، و این کاری ست که برای اولین بار انجام شده است.

نیما همچنین از استقبال از مجله تیرگان که ویژه جشنواره بود گفت. این مجله در 64 صفحه با مقالات انگلیسی برای آشنایی با فرهنگ و هنر ایران به جامعه میزبان، منتشر شده بود و در غرفه ی جشنواره از سوی داوطلبان فروخته میشد.

از نیما پرسیدم چه نظرات مثبت و منفی در طول جشنواره به گوش ات خورد؟ گفت: من از دو نظر خیلی خوشم آمد یکی این که "شما اینجا یک ایران کوچک درست کردید". و یکی دیگر هم گفت "انگار درون همین تورنتو ما به یک سفر سه روزه رفتیم." ضمن اینکه مسئله یکپارچگی و نظم مراسم هم اظهار میشد. باید اشاره کنم که وجود برنامه ای بزرگ به این صورت مدیون حامیان جشنواره است که هفته ی آینده به صورت کلی تر از دوستان تشکر خواهد شد و از طرفی دیگر حضور داوطلبان چه پیش از جشنواره و چه در خلال آن، برگزاری خوب آن را میسر کردند. نیما افزود: ما یک ارزیابی کیفی ظرف 15 روز آینده در سایت خود می گذاریم و از طریق نشریات به اطلاع مردم می رسانیم تا از نظرات آنها هم آگاه شویم.

پس از رقص بسیار زیبای شاهرخ مشکین قلم که من از نوشتن درباره ی آن قاصرم،

و آن را فقط باید دید، پایان بخش چهارمین روز جشنواره، در صحنه ی فضای باز رو به دریاچه، کنسرت گروه کر ایران به رهبری کمال طراوتی بود که در زیر ریزش یکریز باران جمعیت بسیاری را گرد آورده بود و با ترانه های شاد شور و حالی به مراسم اختتامیه داده بودند.

ساعت 8 شب یکشنبه 20 جولای، ضیافتی شام به افتخار هنرمندان بر پا شد که طی آن دکتر احسان یارشاطر، تندیس های زرین آرش کمانگیر را به هنرمندانی که در این جشنواره به هنرنامه ی پرداخته بودند، اهدا کرد. همچنین به هیئت مدیره کانون فرهنگ و هنر ایرانیان کانادا - برگزارکننده ی جشنواره - شامل خانم ها ماریا صیبا مقدم، ستاره دلزنده، و آقایان نیما احمدی، فاریا شاکر و رضا مقدس و مهرداد آرین نژاد که مدیریت جشنواره را نیز به عهده داشت، لوح های تقدیر اهدا شد.

گفتنی ست استاد غلامحسین نامی، لی لی نبوی، حسینعلی دادفر، فیروزه اطهاری و پریرسا قوامی نیز از مدیران اجرایی جشنواره بودند که به تمامی آن ها و به تمامی داوطلبان پرشوری که این 4 روز را میسر کردند، خسته نباشید می گوئیم.

در حاشیه:

- روز افتتاحیه، گروهی به اعتراض در خارج محوطه ی هاربرفرانت سنتر در اعتراض به جمهوری اسلامی گرد آمده بودند. آنها تقاضای حضور در محوطه هاربرفرانت سنتر را کرده بودند که با مخالفت مقامات هاربرفرانت سنتر مبنی بر اینکه آنجا مکانی فرهنگی - هنری ست، در پیاده روی جلوی این مرکز جمع شده بودند.

در روزهای بعد نیز جمعی از افراد گروه ها و احزاب سیاسی بنرهایی از عکس های افراد شکنجه شده و اعدام در ملاءعام را در پیاده روی مقابل هاربرفرانت سنتر به نمایش گذاشته بودند.

- یکی از محاسن جشنواره، دیدن دوستان قدیمی بود. چهره های آشنای بسیاری را پس از سالها دیدم و بسیاری نیز همین تجربه را کرده بودند و به یکدیگر می گفتند که چه کسانی را پس از چند سال دیده اند.

- غرفه های شیرینی فروشی، کتاب، صنایع دستی، تابلو و ... هم هواداران خود را داشتند ولی غرفه های غذا بیش از غرفه های دیگر هواخواه و طرفدار داشت.

- تعدادی از صف های طولانی برای بعضی از برنامه ها گله داشتند که علیرغم ایستادن به مدت یک ساعت در صف بالاخره نتوانسته اند که در سالن حضور یابند.

عکس ها:

فرح طاهری - سعید فرح آبادی - لیلا مجتهدی - پری فارسی

About Us

Powered by: PHPCow.com